

## تورم

اعضا گروه: سارا خیاط نوروزی

ریحانه میرحسینی

نسیم مرکزی

فرشته پور اسماعیل

مینا فرح نژاد

فهرست

مقدمه..... ۱

۱- تورم چیست؟..... ۲

۲- تورم به چند دسته تقسیم می شود و فرق این دسته ها در چیست؟..... ۲

۳- راه های مبارزه با تورم چیست؟..... ۴

۴- آیا تورم همیشه مضر است؟..... ۴

۵- رابطه تورم و توسعه چیست؟..... ۴

۶- تورم چه تاثیری بر نظام کل کشور دارد؟..... ۵

۷- آیا تا کنون کشوری توانسته است تورم را به طور کامل ریشه کن کند؟..... ۶

آمار.....۶

مقدمه

تورم اجتماعی یکی از موضوعات مهم در کشور ماست. در این متن می خواهیم با اطلاعات بیشتری درباره این موضوع آشنا شویم.

تورم عبارت است از افزایش دائم قیمت ها که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی می انجامد.

همانگونه که می دانید در ایران درصد تورم در سالهای اخیر بسیار زیاد بوده است به طوری قیمت ها در هر سال بسیار افزایش یافته و قدرت خرید مردم کم شده است.

ما در این متن می خواهیم موضوعات زیر را بررسی کنیم:

۱- تورم چیست؟

۲- تورم به چند دسته تقسیم می شود و فرق این دسته ها در چیست؟

۳- راه های مبارزه با تورم چیست؟

۴- آیا تورم همیشه مضر است؟

۵- رابطه تورم و توسعه چیست؟

۶- تورم چه تاثیری بر نظام کل کشور دارد؟

۷- آیا تا کنون کشوری توانسته است تورم را به طور کامل ریشه کن کند؟

در اینجا ابتدا چند تعریف کلی بیان کرده و بعد به بررسی انواع تورم و چند نمونه از آن می

پردازیم.

۱- تورم چیست؟

تعریف های مختلفی از تورم به عمل آمده، که همه آنها تقریباً بیانگر یک موضوع هستند:

تورم عبارت است از افزایش دائم و بی رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی می شود.

۲- تورم به چند دسته تقسیم می شود و فرق این دسته ها در چیست؟

در نظریه های اقتصادی، تورم را به سه نوع تقسیم می کنند:

۱- تورم خزنده (آرام-خفیف): به افزایش ملایم قیمت ها گفته می شود.

۲- تورم شدید (تورم شتابان یا تازنده): در این نوع تورم آهنگ افزایش قیمت ها تند و سریع است.

۳- تورم بسیار شدید (تورم افسار گسیخته-فوق تورم و ابر تورم): این نوع تورم شدیدترین حالت

تورم به شمار می رود.

که در آن برای تورم خفیف، افزایش بین ۱ تا ۶ درصد، حداکثر ۴ درصد، بین ۴ تا ۸ درصد در

سال را ذکر کرده اند. برای تورم شدید، ۱۵ تا ۲۵ درصد در سال را نوشته اند. معیار تورم بسیار

شدید را ۵۰ درصد در ماه یا دو برابر شدن قیمت ها در مدت شش ماه و ... بیان داشته اند. البته نمی

توان نرخ ثابتی ارائه کرد زیرا این مقادیر با توجه به شرایط زمانی و ... عوض می شوند.

علاوه بر این تقسیم بندی کلی می توان تورم را به دسته های کوچکتری نیز تقسیم کرد:

۱- تورم پنهان: در آن قیمت ثابت ولی کیفیت کمتر می شود.

۲- تورم خزنده: تورمی آرام و پیوسته است. معمولاً به علت افزایش تقاضا است. بعضی اقتصاددانان

معتقدند که محرکی برای افزایش درآمد است و بعضی دیگر معتقدند که سبب کاهش قدرت خرید

است. (هر ۲۵ سال ۵۰٪)

۳- تورم رسمی: به علت افزایش عرضه پول از سوی دولت.

۴- تورم ساختاری: به علت افزایش قیمت ها به دلیل وجود تقاضای اضافی. در این نوع تورم

دستمزدها به دلیل وجود فساد (کمبود) در برخی بخش ها افزایش می یابد. این نوع تورم در کشور

های در حال پیشرفت زیاد است.

۵- تورم سرکش: افزایش سریع و بی حد و مرز قیمت ها

آثارش: ۱- کاهش ارزش پول

۲- گسستگی روابط اقتصادی

### ۳- فرو پاشی نظام اقتصاد

این نوع تورم معمولاً پس از جنگها یا انقلاب ها رخ می دهد مثل افزایش قیمت ۲۵۰۰٪ در آلمان در سال ۱۹۲۳

۶- تورم شتابان: افزایش سریع و شدید نرخ تورم مثلاً وقتی دولت سعی کند بیکاری را پایینتر از حد طبیعی نگاه دارد، این اقدام باعث افزایش تورم می شود.

۷- تورم مهار شده: تورمی است که به دلیل وجود شرایط تورمی در کشور ایجاد شده است و در مقابل از افزایش آن جلوگیری شده است. این شرایط معمولاً از فزونی تقاضای کل بر عرضه ی کل کالاها و خدمات پدید می آید که با فرض ثابت بودن دیگر شرایط به ازدیاد قیمت ها می انجامد.

۸- تورم فشار سود: تورمی که در آن تلاش سرمایه داران برای تصاحب سهم بزرگی از درآمد ملی منشا نورم است.

۹- تورم فشار هزینه: تورمی که مستقل از تقاضا صرفاً از افزایش هزینه های تولید ناشی می شود. مثال بارز چنین تورمی را در تمام کشورهای صنعتی غرب پس از افزایش استثنایی بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ می توان دید. برخی اقتصاددانان معتقدند که متداولترین منبع تورم فشار

هزینه قدرت اتحادیه های کشوری است که اضافه دستمزدی بیش از افزایش بازدهی بدست می آورند و این خود در یک مارپیچ تورمی موجب افزایش قیمت ها و متقابلاً تقاضا برای دستمزد بیشتر می شود. منتقدان از این نظریه استدلال می کنند که اگر اتحادیه های کارگری هنگامی موفق به افزایش دستمزد شوند که سطح تقاضای کل برای جبران آن به اندازه ی کافی افزایش نیافته باشد گرایش هایی در جهت افزایش بیکاری بوجود خواهد آمد که اثرات رکودی بر اقتصاد خواهد داشت. چنین فرایندی نمی تواند به طور نامحدود ادامه یابد و بنابراین تورم فشار هزینه یقیناً نمی تواند بیان کننده ی تورم مزمنی باشد کشور های اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم به آن دچار شدند. لذا افزایش قیمت یا، در مرحله نخست، باید حاصل تقاضای اضافی دانست یا حاصل بالا بردن کل تقاضای پولی برای جلوگیری از بیکاری.

۱۰- تورم فشار تقاضا: تورم ناشی از فزونی تقاضا کل نسبت به کل جریان کالا و خدمات ایجاد شده در اقتصادی که همه ی عوامل تولید را با ظرفیت کامل بکار گرفته باشد. هرگاه تقاضای مصرف کنندگان دولت و بنگاهها برای کالاها و خدمات بر عرضه ی موجود فزونی گیرد قیمت ها در اثر این عدم تعادل افزایش خواهد یافت. در اصل افزایش قیمت باید تقاضای اضافی را از میان بردارد و بار دیگر تعادل برقرار سازد و براین اساس باید برای گرایش مستمر به سوی تورم، که ویژگی بسیاری از اقتصادهای پس از جنگ شده است، توصیفی یافت. یکی از نظریه های رایج در این باره مازاد مستمر تقاضا را ناشی از سیاست دولت می داند. بنا به این نظریه در حالی که مصرف کنندگان و شرکت ها به هنگام افزایش قیمت ها تقاضای خود را کاهش می دهند، دولت

به دلیل توانایی اش در تامین مالی مخارج خود از محل ایجاد پول، می تواند میزانمیزان مخارج خود را به ارزش واقعی حفظ کند یا حتی افزایش دهد. در نتیجه ی این اقدام نه تنها میل مستمر به تورم بوجود می آید بلکه سهم بخش دولتی از کل منابع موجود در اقتصاد نیز افزایش می یابد.

۱۱- تورم انتقال تقاضا: نظریه ای عناصر تورم فشار تقاضا و فشار هزینه را با هم ترکیب می کند و تغییر در ساخت تقاضای کل را دلیل تورم می شمارد. هرگاه اقتصاد دچار انعطاف ناپذیری های ساختاری باشد، گسترش برخی صنایع با افول برخی دیگر از صنایع همراه خواهد بود و عوامل تولید را به آسانی نمی توان به بخش های تولیدی انتقال داد. از این رو بردای جذب وسایل تولید به سوی صنایع در حال گسترش باید قیمت های بالاتری پرداخت شود. در نتیجه کارگران بخش های افول یابنده خواستار دستمزدی برابر با کارگران دیگر بخش ها می شوند و ترکیب این عوامل به تورم می انجامد.

۱۲- تورم فشار قیمت: نوعی تورم فشار هزینه که در اثر تحمیل قیمت های بسیار گزاف از سوی صاحبکاران اقتصادی با هدف دستیابی به سودهای کلان بدست می آید.

۱۳- تورم فشار دستمزد: نوعی تورم فشار هزینه که سرچشمه ی فرایند تورم را فشار اتحادیه کاری بر بازار کار می داند. این برداشت دارای طیف گسترده ایست که در یک سوی آن



اعمال قدرت انحصاری اتحادیه های کارگری و الگوهای قدرت چانه زنی آنها بر پایه ی متغیر های اقتصادی قرار دارد و در سوی دیگر الگوهای غیر اقتصادی مبارزه جویی این اتحادیه ها.

۳- راه های مبارزه با تورم چیست؟

این راه ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- سیاست های پولی و مالی: هدف این روش محدود کردن تقاضای کل است. این کار از طریق جمع آوری پول به شکل سرمایه های غیر نقدی صورت می گیرد (سیاست های انقباضی)

۲- سیاست های درآمدی: که در آن با دخالت مستقیم در بازار و عوامل تولید کننده تورم کنترل می شود. این روش کاربردی نیست زیرا در آن مناطق زیادی نیاز به اصلاح دارند.

۴- آیا تورم همیشه مضر است؟

خیر تورم در حد کم (۲-۳٪) نه تنها مضر نیست بلکه نشانه توسعه اقتصادی آن کشور نیز هست.

علاوه بر آن تورم فواید دیگری نیز دارد از جمله:

۱- ابتدا قدرت خرید پول پایین آمده و بعد از آن میزان تولید بالا رفته، رسیدن به ثبات و برگشت

به حالت طبیعی حتمی است.

۲- در اوج مرحله تورم، کارخانجات و موسسات و برنامه های اساسی اقتصادی شکل می گیرد.

۳- فرهنگ تولید به وسیله فشار تورم توسعه می یابد.

۵- رابطه تورم و توسعه چیست؟

۱- تا توسعه کشور به حد مطلوبی نرسیده ثبات ارزش پولی غیر ممکن است. البته باید به این نکته

نیز توجه کرد که در زمان توسعه ممکن است به جایی برسیم که پایین تر رفتن قدرت خرید و

قدرت پول خطرناک باشد. در چنین مقطعی حرکت جامعه از توسعه به ثبات تبدیل می شود.

۲- سرمایه گذاری در مرحله اول تورم زا و در آخر خاصیت تورم زدایی دارد.

۳- در همه کشورهای جهان چنین بوده که مسایل توسعه و بازسازی هر دو تورم طلب بوده اند.

۴- اگر در مرحله اول پول را ثابت نگه داریم نمی توانیم خیلی از مسائل کشور را مانند جنگ پشت

سر بگذاریم.

۵- در تورم پول از جیب مردم به سرمایه گذاری منتقل می شود.

۶- وضع مطلوب در اقتصاد رسیدن به پول ثابت است.

۷- معمولاً توسعه و پیشرفت نمایانگر تورم پایین است به طوری که می توان بیان نمود که اکثر

کشورهایی که به توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب رسیده اند، دارای تورم های کمتر از

۱۵ درصد بوده اند. اما چند استثناء نیز وجود دارد از جمله برزیل، آرژانتین و ترکیه.

۶- تورم چه تاثیری بر نظام کل کشور دارد؟

نمی توان تورم را عامل تمام مشکلات یا حتی بخش مهمی از آنها دانست ولی صاحب نظران

اقتصادی و اجتماعی غالباً تورم را به منزله شاخص کشمکش ها و اغتشاشات اجتماعی و شاخص

اعلام خطر و ... قلمداد می کنند و معتقدند که:

۱- کشورهایی که در آنها ثبات قیمت (عدم تورم) وجود داشته ثبات سیاسی و اجتماعی نیز وجود

داشته است. و بالعکس در کشورهایی که بحرانهای سیاسی و اجتماعی بوجود آمده تورم نیز کم کم

دچار رشد صعودی شده است.

۲- در تورم زیاد در آمد به صورت ناعادلانه تقسیم می شود زیرا افرادی که در ابتدا سرمایه ی غیر

نقدی زیاد دارند به مرور زمان با افزایش ارزش آن سرمایه توسط تورم به ثروت عظیمی دست می

یابند و در عوض افرادی که در ابتدا سرمایه ی کمی دارند یا سرمایه ی آنان غیر نقدی است به مرور زمان با افزایش نرخ تورم بخشی از دارایی خود را از دست می دهند.

۳- تورم باعث تقلیل پس انداز می شود زیرا ارزش پول متغیر است و در نتیجه پس انداز ناامن است. البته این مشکل راه حلی نیز دارد که آن سرمایه گذاری در چیز است که ارزش آن با تورم زیاد شود.

۴- تورم باعث افزایش قیمت کالا در تجارت بین المللی می شود که نتیجه آن کاهش میزان صادرات و افزایش واردات است.

۵- افزایش تورم باعث کاهش ارزش پول می شود. (بر اساس مورد ۴)

۶- تورم باعث عدم مصرف بهینه منابع می گردد و از این رو تمایل به سمت کالاها و خدمات گرانتر بیشتر می شود در صورتی که این کالاها ضرورتاً مفیدترین کالاها نیستند.

۷- در زمان تورمی مقدار زیادی از وقت، انرژی، منابع مالی مردم بجای بکار افتادن در مسیر مولد و مفید صرف فعالیت هایی می شود که هدف از انجام آن ها جلوگیری از کاهش ارزش دارایی ها و کسب منافع غیر عادی از طریق معاملات سوداگرانه است.

۸- تولید کنندگان که خریداران مواد اولیه هستند سرمایه گذاری نمی کنند ، لذا کارهای دلالی رواج پیدا می کند.

۷- آیا تا کنون کشوری توانسته است تورم را به طور کامل ریشه کن کند؟  
بله یکی از این کشورها آلمان است. آلمان در بازسازی اقتصادی به این نکات توجه کرده است:

۱- طراحی نظام اقتصادی و اجتماعی بازار با در نظر گرفتن تعادل اجتماعی، بر پایه اخلاق مسیحی و انسانگرایانه

۲- معیار اساسی اقتصاد برای انسان-ها نه انسان-ها برای اقتصاد.

۳- تکیه بر این امر که در جو سرشار از ثبات پولی رشد اقتصادی مطمئن تر تحقق می یابد.

۴- قدرت خرید حداقل در آمد را تثبیت کردند.

۵- اهمیت دادن به توزیع در آمد عادلانه.

۶- اعمال سیستم جامع و موثر بیمه های اجتماعی: آلمانی ها بدین منظور بیش از ۱۵ درصد ارزش تولید ملی را پس از جنگ به این امر اختصاص دادند.

۷- حاکمیت مربع سحرآمیز ثبات پولی، اشتغال کامل، تعادل تراز پرداخت ها، تناسب در توزیع درآمدها.

۸- خارج نمودن پول بیش از ظرفیت تولیدی: طراحان اقتصادی در ۱۹۴۸ با رفورم پولی، پول موجود در دست مردم را از ۱۰۰ واحد به ۶/۵ واحد تنزل دادند.

آمار

سازمان ملل پیش بینی کرد که نرخ تورم ایران در سال جاری میلادی به ۱۷/۷ درصد برسد.

به گزارش خبرنگار اقتصاد بین الملل ایسنا، سازمان ملل متحد در تازه ترین گزارش جامع خود که

"چشم انداز و شرایط اقتصاد جهانی ۲۰۰۶" نام دارد تمامی کشورها و مناطق جهان را مورد

ارزیابی قرار داد و برآورد کرد که نرخ تورم بهای مصرفی در کشورمان که در سال ۲۰۰۵ در

حدود ۱۳/۵ درصد بوده است در سال جاری با ۴/۲ درصد افزایش مواجه شده و به ۱۷/۷ درصد

بالغ شود.

سازمان ملل مناطق و کشورهای مختلف جهان را به صورت جداگانه تقسیم بندی کرده است و جداول ارائه شده حاکی از آن است که نرخ تورم ایران در سال جاری در منطقه خاورمیانه در صدر جدول قرار خواهد داشت.

در همین حال در تقسیم بندی بزرگترین اقتصادهای در حال توسعه جهان نیز کشورمان با نرخ تورم ۱۷/۷ درصدی در مکان نخست جای دارد و پس از آن ونزوئلا با نرخ تورم ۱۵ درصدی قرار گرفته است. نرخ تورم ونزوئلا در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۶ درصد اعلام شده است.

نیجریه نیز که شاهد نرخ تورم ۱۶/۳ درصدی در سال گذشته بوده است سال جاری را با نرخ تورم ۱۰/۸ درصدی سپری خواهد کرد و در میان کشورهای در حال توسعه مکان سوم را از آن خود خواهد کرد.

نرخ تورم قزاقستان که از همسایه های کشورمان به شمار می رود در سال جاری به ۷/۵ درصد و نرخ تورم روسیه به ۱۰/۵ درصد خواهد رسید.

آمریکا، ژاپن، چین و آلمان که از برترین اقتصادهای جهان محسوب می شوند در سال جاری نرخ تورمی برابر با دو، ۰/۱، ۳/۲ و ۱/۹ درصد خواهند داشت و نرخ تورم آذربایجان دیگر همسایه کشورمان از ۱۲/۵ درصد در سال گذشته به ۹/۵ درصد در سال جاری کاهش خواهد یافت.

در همین حال عربستان در سال گذشته و سال جاری نرخ تورم ثابتی برابر با یک درصد داشته و خواهد داشت.